

کوپه‌ی مطرب‌ها

خاطرات آزاده‌ی جانباز مجید رنجبر



امیر محمد عباس نژاد

www.ketab.ir



- سرشناسه: رنجبر، مجید، ۱۳۴۴-
- عنوان و نام پدیدآور: کوبه‌ی مطرب‌ها؛ خاطرات آزاده‌ی ایرانی؛ مجید رنجبر/نویسنده امیرمحمد عباس نژاد؛ ویرایش زهرا حیدری.
- مشخصات نشر: قم: خط مقدم، ۱۴۰۱.
- مشخصات ظاهری: [۳۰۸]ص: مصور (بخشی رنگی)، نمونه، عکس (بخشی رنگی)، ۵/۲۱x۵/۱۴، ۵/۲۱x۵/۱۴ س.م.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۱۰-۳۹-۳
- وضعیت فهرست نویسی: قیفا
- عنوان دیگر: خاطرات آزاده‌ی ایرانی؛ مجید رنجبر.
- موضوع: رنجبر، مجید -- خاطرات
- موضوع: رنجبر، مجید، ۱۳۴۴-
- موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- آزادگان -- خاطرات
- Released captives -- Diaries -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰ Iran-Iraq War
- جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- اسیران ایرانی -- خاطرات
- Prisoners and prisons, Iranian -- Diaries -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰ Iran-Iraq War
- شناسه افزوده: عباس نژاد، امیرمحمد، ۱۳۶۱-
- رده بندی کنگره: DSR1۶۲۹
- شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۲۵۳۶۰
- اطلاعات رکورد کتابشناسی: قیفا

- کوبه‌ی مطرب‌ها | خاطرات آزاده‌ی ایرانی؛ مجید رنجبر
- نویسنده: امیرمحمد عباس نژاد
- ویرایش: زهرا حیدری
- ناشر: خط مقدم
- طرح جلد: حسین براتی | گرافیک: کارگاه طراحی خط مقدم | صفحه‌آرا: محبوبه اعظمی
- چاپ دوم: ۱۴۰۳
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه



⑤ فضای مجازی: @khatemoqadam_ir

⑥ تماس: ۰۲۵۳۷۸۳۷۶۵۶ | ۰۹۱۲۹۳۸۳۳۸۷

⑦ آدرس پستی و فروشگاه: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران فروشگاه شماره ۲۷ ب

⑧ وب سایت و فروشگاه مجازی: www.khatemoqadam.com

مجید رنجبر را نمی‌شناختم تا خاطرات او از طرف انتشارات به دستم رسید. متن خودنگاشت او را خواندم. روایت وی، ابهامات چیزهایی مغفول مانده زیادی داشت و اما کلیت کار، جذاب و خواندنی بود. در لابه‌لای سطرهای خاطرات، ردی از چیزی و کسی دیده می‌شد که بخشی از خاطرات، مربوط به آن و او بود؛ اما نشانی از آن‌ها در متن نبود. متن را چند بار خواندم و جاهای خالی را مشخص کردم تا با مجید رنجبر گفت‌وگو کنم. برای اولین بار با او در محل کارش دیدار کردم. بعد از صحبت‌های اولیه، اولین جلسه‌ی مصاحبه‌ام، در ۲۴ آذر ۱۳۹۷ برگزار شد.

رنجبر، به علت ذهنی کهنه، خیلی از خاطرات و وقایع دوران اسارت را به سختی به یاد می‌آورد؛ برای همین باید برای گویاسازی افراد و یادآوری اتفاقات، به جزئی‌ترین نکات اشاره و تکرار دقیق‌تری از او می‌کردم. بعضی روزها، آن قدر از او سؤال می‌کردم که حس می‌کردم کلافه بودن را در چهره‌اش می‌دیدم؛ اما او از روی صبر و حوصله به سؤالاتم جواب می‌داد و برخی از اتفاقات را که به یاد نمی‌آورد، روی برگه‌ای یادداشت می‌کرد تا به جواب درست و قانع‌کننده‌ای برسیم. گاهی وقت‌ها یادآوری برخی از خاطرات تلخ اسارتش، او را به سکوت و فکر می‌کشاند. وقتی خاطرات پیوستن پسرخاله‌اش به منافقین را روایت می‌کرد، بغض گلو و خисی چشمانش، درد و رنج آن سال‌ها را برایش زنده می‌کرد. نمی‌دانستم جدایی پسرخاله‌اش در اسارت با او چه کرده است. خود مجید رنجبر هم تمایل چندانی برای بازگویی این بخش از خاطراتش نداشت.

باید برای تکمیل خاطرات فراموش‌شده و نگفته‌ی مجید رنجبر، با خانواده و دوستانش هم‌کلام می‌شدم. یک هفته در رفسنجان و کُشکویه،

محلات، مهمان خانواده‌ی باصفا و دوستان باوفایش بودم. با غلامحسین خالقیان، مهدی شیرازی، پسرخاله‌اش محمود اسماعیلی، مهدی کوه‌پیما، رضا تُرک، حسن هارونی، محمدحسن مفتاح و خانواده‌اش حرف زدم.

سی‌ودو ساعت مصاحبه با مجید رنجبر و دوستان و خانواده‌اش، وقتی کنار هم نشست، شد این کتاب. حالا با این کتاب، مجید رنجبر را بیشتر می‌شناسم.

امیرمحمد عباس‌نژاد

خرداد ۱۴۰۰

www.ketab.ir